



ایران

باندورت و هشیاری توطئه‌های آمریکا را محکوم کنیم

روزجمعه ناردیگر دست‌توطئه‌گر شیطان بزرگو ایادی‌اش جنایتی خونبار آفرید و با انفجار مهیبی، که در خیابان ناصرخسرو تهران، در محله‌های فقیرنشین، ترتیب داد، بیش از هشتاد تن از هم‌میهنان بی‌گناه ما را به شهادت رساند و بیش از سیصد تن را زخمی کرد. نه فقط صدای انفجار تهران را لرزاند، بلکه ابعاد جنایت تازه عمال آمریکا سراسر ایران انقلابی را تکان داد و بر فزونی راسخ مردم ما در ادامه نبرد علیه امپریالیسم آمریکا و هشیاری در برابر انواع توطئه‌هایش افزود. امام خمینی رهبر انقلاب با قدرت تمام "چهره قبیح آمریکاییان منافق و منحرف" را نشان دادند. آیت‌الله‌المظفری منتظری پرده‌زنی‌ها را کاری‌های امپریالیسم آمریکا و عمالش برداشت و دولت‌مردان دیگر در پیام‌ها و سخنان خود جنایت موحش خیابان ناصرخسرو را به مثابه توطئه تازه ضدانقلاب و سلطنت‌طلبان و ساواکی‌ها و فریب‌خوردگان، که همه در آخرین تحلیل یکی از شیوه‌های آمریکایی براندازی را پیاده می‌کنند، محکوم کردند. بی‌شک عمال بختی عراقی بزدلان گونه‌خواب - کاری‌ها دست دارند، ما از یکسال پیش به فضای این شیوه‌ها و هشدار به ما موران و مسئولان پرداختیم، ما نیز همراه با همه مردم ایران بار دیگر و با شدت هرچه تمام‌تر این جنایات تروریست‌های آمریکایی را محکوم می‌کنیم.

آقای موسوی نخست‌وزیر در این هفته به مناسبت دیگری گفت "از این به بعد هم نباید از توطئه‌های آمریکا غفلت کنیم". به این رهنمود باید جامعه عمل بوشاند. آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهوری در نماز عید قربان گفت: "من به عنوان یکی از افراد اس‌ملت و به عنوان آئین و سخنگوی این ملت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران و ملت مبارزان در مبارزه با استکبار آمریکایی و صهیونیسم بین‌المللی تا آخرین لحظه هم از پای نخواهد نشست." این پاسخ شایسته و از قبل اعلام شده همه مردم ما به این جنایت آمریکاست. آقای رئیس‌جمهور در ملاقات با سفرای کشورهای اسلامی همین هفته گفت: "ناایسته است به مات اسلامی دشمن اصلی، یعنی حامیان اسرائیل، شیطان بزرگ آمریکا را معرفی کنیم، زیرا بدون پشتیبانی این ابرقدرت‌ستمرگ، صهیونیست‌ها مرکز نمی‌توانستند تجاوز کنند."

این تحلیل درست را هم اکنون نیز به خاطر می‌آوریم، زیرا که تروریسم کور سازمان یافته توسط ضدانقلاب و فاجعه خیابان ناصرخسرو، که به قول امام خمینی "تراف و انسانیت را به سوگ نشاند"، جزئی است از توطئه‌های آمریکا. و ما می‌بایست این چهره قبیح را با قدرت نشان دهیم و فریاد "مرگ بزرگ آمریکا" را هر چه سرتور بیرون بیاوریم.

ما از قانون اساسی دفاع می‌کنیم

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - این بزرگ‌ترین دست‌آورد انقلاب، که حقوق مردم و تمام کشور در آن تثبیت و تسجیل شده - نظام اقتصادی ایران به صراحت تعیین گردیده است. در این قانون سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی تشخیص داده شده و تشریح گردیده است، که بخش خصوصی "مکمل" آن دو بخش اصلی است.

هم‌اکنون در جامعه ما، از جمله در حاکمیت و پیرامون آن، نبردی جدی بر سر آن که: آیا باید قانون اساسی محترم شمرده و اجرا شود، یا آن که مخدوش و عقیم گردد، در جریان است. حزب توده ایران، به موقع خود، هر آن چه در توان داشت، به طور مثبت و سازنده به کار برد. تا قانون اساسی بازتاب دقیق و بی‌خنده آرمان‌های انقلاب و خواست‌های مردم و حیاتی مردم زحمتکش باشد. حزب ما با آن که معتقد بود و هست که متن تهیه‌شده دارای کمبودها و نارسائی‌هاست، به آن در رفراوندوم رای مثبت داد و از آن بی‌قاطعانه و بی‌بگیرانه از آن دفاع می‌کند. ما در مسئله حیاتی فوق نیز ضرورت جدی و بی‌تردید اجرای قانون اساسی را طلب و پیشنهادهای مشخص و سازنده خود را، در حدود امکانات، مرتباً ارائه می‌کنیم.

در هفته‌ای که گذشت، کارهای شورایی اقتصادی در زمینه تهیه لایحه مربوط به نحوه فعالیت بخش خصوصی به پایان رسید و آقای موسوی نخست‌وزیر آن را یکی از "زیرساخت‌های اقتصادی" نامید و وعده داد که: "در دو هفته آینده در هیئت دولت نیز تصویب شود و سپس به مجلس تقدیم گردد."

بدهی و منطقی بود که حکومت انقلابی نخست حدود و نحوه فعالیت بخش‌های دولتی و تعاونی را، که بخش‌های اساسی اقتصاد ایران آینده توصیف شده‌اند، تعیین نمی‌کرد و آن‌گاه به بخش "مکمل" بخش خصوصی می‌پرداخت. در حال تاکنون از متن این لایحه اطلاعاتی در دست نیست، اگرچه آقای نخست‌وزیر وعده داد که "این متن در اختیار حرایب قرار گیرد". ارزیابی خود وی چنین است که: "لایحه بخش خصوصی به رشد شکوفایی اقتصاد کشور کمک خواهد کرد."

قضاوت قطعی البته بهیسی از انتشار لایحه موکول می‌شود، ولی واقعیتی که هم‌اکنون در میهن ما می‌گذرد و تدابیری که عملاً اتخاذ گردیده و برنامه‌هایی که تدوین و پیاده می‌شود، مسافانه، نشانه خوبی از اجرای دقیق قانون اساسی و احترام به نص و روح آن نیست. چندین هفته است که هم‌زمان با جلسات شورایی و با تشکیل سبناز برنامه‌ریزی و با جلسات متعدد اقتصادی، همه ما شاهد یک رویارویی ریشه‌ای و سرنوشت‌ساز هستیم. از یک سو کارزار جدی و بی‌سابقه علیه بخش دولتی در تبلیغات به راه افتاده و یک سلسله اقدامات عملی به سود سرمایه‌داران بزرگ در رشته صنایع انجام می‌شود. اما از سوی دیگر صداهایی نیز به دفاع از قانون اساسی بر می‌خیزد و زبان‌های بی‌بندوباری بخش خصوصی، که نتیجه آن رفتن به راه رشد سرمایه - داری است، بیان می‌گردد و در عین حال عده‌ای از انقلابیون متعهد و مسئولان خط امامی، همراه کارگران موسسات صنعتی، اقدامات مشخصی به عمل می‌آورند، که جای تردیدی در موثر بودن و کارآ بودن بخش دولتی باقی نمی‌گذارد.

اجرای قانون اساسی در زمینه بخش‌های اقتصادی و به ویژه تعیین جاو حدود و اختیارات و نحوه فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد ایران انقلابی، بی‌تردید هم‌اکنون یکی از حادث‌ترین و آینده‌سازترین عرصه‌های نبرد بین دو گرایش اصلی است. بهانگران یک گرایش مرکزبان پهلویان صدیق و پشتیبانان پیگیر خط امام است که محتوای ضد امپریالیستی و مردمی، استقلال طلبانه و عدالت خواهانه دارد، و در مقابل آن‌ها خط راستگرای مخالف با تحولات بنیادی قد علم می‌کند، که محتوای آن کثانییدن ایران به راه رشد سرمایه‌داری و وابستگی و خدمت به صاحبان امتیاز و دارندگان بزرگ و زور است. نمی‌توان این حقیقت را ندید که گرایش دوم، زیر هر نسام و بهانه‌ای که خود را مخفی کند، با قانون اساسی مصوب اکثریت مطلق مردم ایران و شمره بزرگ انقلاب و تبلور آرمان‌های آن، مخالفت کرده است.

ما که در صحنه‌های مختلف عدالت اجتماعی و آزادی‌های دموکراتیک و حقوق اساسی مردم و غیره، در سنگر قانون اساسی، از اهداف انقلاب بزرگمان دفاع می‌کنیم، در این زمینه بسیار مهم، که تکامل آینده کشورمان وابسته بدان است، با تمام قوا مدافع قانون اساسی هستیم. همه رفقا باید اهمیت این موضع گیری اساسی را در دفاع از قانون اساسی، در همه زمینه‌ها و به ویژه در حال حاضر در زمینه بخش‌های اقتصاد کشور، عمیقاً درک کنند؛ همه مردم را به اهمیت آن آگاه سازند و در نبرد بین "خط‌ها"، به یاری صادقانه و مجدانه و بی‌بگیرانه از پیروان صدیق خط مردمی و استقلال طلبانه امام برخیزند. باید هم‌ما تفاوت بین موضع - گیری‌ها را در این عرصه، که حجت الاسلام خوئیینی‌ها به درستی آن را عرصه اصلی نبرد بین "خط امام" و "جریان مخالف" خواند، به روشنی ببینیم و با افشای جریان مخالف و نشان دادن سازنده نقاط ضعفی، که اگر علاج نشود، می‌تواند منجر به تقویت جریان راستگرا به زیان قانون اساسی گردد، از گرایش مثبت و مترقی و مدافع قانون اساسی پشتیبانی کنیم.

بخش خصوصی ما را به کجا می‌برد؟

راز پوشیده‌ای نیست که در این هفته، مانند هفته‌های اخیر، مداحی از بخش خصوصی و کارایی (!) و ثمر بخشی (!) آن ابعادی به خود گرفته است، که پس از انقلاب سابقه نداشته است. برخی از بلندگویان سرمایه‌داری "استدلالات" و حتی عبارات و اصطلاحات دوران گذشته و با رایج در نظامات سرمایه‌داری غرب را وسیعاً به کار می‌برند، تا تسلط بخش خصوصی را توجیه کنند. در برخی وزارتخانه‌ها و موسسات و ادارات و شهرستان‌ها نمونه‌های نسبتاً فراوانی دیده می‌شود، که این گفته‌ها به فعل درمی‌آید و میدانی بی‌فراخ برای گزگزازی سرمایه‌داران فراهم می‌آید. حتی نمونه‌هایی هست که برخی مراکز و مقامات وابسته به دولت، آن چه را که از مواد اولیه و آلات تولید و ابزار کار و یدکی و غیره از کارخانه‌های دولتی دریغ می‌دارند، آشکارا و نه‌مدا آن‌ها را به شکست بکشانند، همان وسایل را سخاوتمندانه در اختیار سرمایه‌داران و کارخانه‌داران بخش خصوصی قرار می‌دهند.

برای همه رفقا روشن است که هدف ما در این بحث، آن سرمایه - داران عمده و واسطه‌ها و دلالان بزرگ و مقاطعه‌کاران غارتگری است که لایه بالایی، ولی بسیار متنفذ و نیرومند بخش خصوصی، را تشکیل می‌دهند. مقصود ما البته کسمو بیشتران و تولیدکنندگان کوچک و ضاحبان کارگاه‌های کوچک و متوسط و کارخانه‌های کوچک - که آن‌ها هم از تسلط لایه بالایی بخش خصوصی زبان‌های سنگین می‌برند نیست.

این قسمت پایینی بخش خصوصی، که میلیون ها نفر را در بر می گیرد و همیشه خانواده های بسیار را سامان می دهد و فعالیت آن می تواند، در زیر نظارت دولت، به نحو سالم و مفیدی صورت گیرد، درست همان "بخش خصوصی" است، که به عقیده ما می تواند "مکمل" فعال و کارآ و سودمند برای بخش های دولتی و تعاونی باشد و همانست که در قانون اساسی پیش بینی شده. همان طور که در پلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز مشروحا بیان داشته ایم، حزب ما مدافع حفظ و کمک به این تولیدکنندگان و پیشوران و کسبه، این "بخش خصوصی" است. ولی آن چه هم اکنون مورد بحث است، آن چه به مسئله های نگرانی - آفرین بدل شده و ممکن است تکامل آینده میهن انقلابی ما را به خطر اندازد، آن لایه بالایی و قدرتمند بخش خصوصی، یعنی سرمایه داران عمده، دلالان و گردانندگان بازار و واسطه ها است. انقلاب باید حساب خود را با این ها روشن کند. نحوه فعالیت بخش خصوصی، اگر کمترین رورهای برای زخته و سلطه ایان باز گذارد، هم مردم زحمتکش، هم ماهیت انقلاب و هم موجودیت و اصالت جمهوری اسلامی ایران را به خطر انداخته است، زیرا هرگز نمی توان از این راه، از راه رشد سرمایه داری، "رشد و شکوفاشدن اقتصاد" را تأمین کرد.

برای درک بهتر و روشن تر مواضع بیانگران صدیق خط امام، در این زمینه، جملاتی از آقای فواد کرمی رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس شورای اسلامی را، که در شماره ۴ مهر ۶۱ اطلاعات درج شد، نقل می کنیم، که در ضمن کارمیه های برای بحث و روشنگری رفقا در تبیین "خط"ها و نبرد آن ها باشد. وی از نقطه نظر سیاسی و قانونی چنین استدلال می کند:

"در اصل ۴۴ صریحا آمده است که بخش خصوصی مکمل فعالیت های اقتصادی است و نه بخش اصلی. اگر ما به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی متعهد باشیم، نمی توانیم بخش خصوصی را عمده کنیم. گرچه هم اکنون بعضی از مسئولین احزاب و افراد غیر مسئول از بخش خصوصی دم می برند و خواهان گسترش آن هستند" آقای فواد کرمی سپس در مقابله با روحانی نمایان و کسانی که به فتاوی آتجنانی متوسل می شوند، چنین می گوید:

"اما قانون اساسی مطابق موازین فقهی بوده و مجلس خبرگان از فقهایی مثل آیت اله منتظری، آیت اله شکیستی و مرحوم شهید بهشتی و شهید مدنی تشکیل شده بود و لذا اگر کسی حرف دیگری دارد، با این فقها اختلاف فقهی دارد و نمی تواند ظرف فقهی خودش را به عنوان نظر اسلام مطرح کند.

سپس رئیس کمیسیون مجلس از نظر ماهوی و خلعت سرمایه چنین استدلال می کند:

"چون بخش خصوصی حرکت انتفاعی دارد، تا آن جا در صنعت فعالیت می کند، که به نفعش باشد و ممکنست نیازهای اجتماعی را مراعات نکند، حال آن که بعضی صنایع ممکن است نفع زیادی نداشته باشد، اما نیاز عمومی کشور باشد."

دلیل دیگر آقای فواد کرمی از اصل بزرگ عدالت اجتماعی ناشی می شود. وی می گوید:

"اگر بخش خصوصی در صنعت گسترش پیدا کند، عملا عده های انگشت شمار صاحب صنعت بزرگ می شوند و بقیه مردم کارگر و مزدور آن ها خواهند شد و این با هدف انقلاب اسلامی و مردم خایر است. مردم نمی توانند از دولت بیدارند که برای صنعتی شدن کشور بخش خصوصی را گسترش بدهد... مردم نمی توانند قبول کنند که صنایع ملی شده دوباره به دست سرمایه داران فراری برگردد.

و بالاخره جان کلام و نتیجه کلی سیاسی، که اساس مسئله است، به درستی چنین بیان می گردد:

"در این صورت آینده انقلاب به خطر خواهد افتاد. نهایتا یک عده سرمایه دار بزرگ بر مجلس و دولت سلط خواهند شد و مثل کشورهای سرمایه داری دولت و مجلس را ایجاد و انتخاب خواهند کرد و حتی ما را به طرف آمریکا می برند.

حق کاملا با آقای کرمی است. "تشویق و توسعه بخش خصوصی"، با این شکلی که هم اکنون نمونه های این جاو آن جا، در برخی ادارات، وزارت کار و وزارت بازرگانی و سازمان برنامه و غیره دیده می شود، نطفه یک خطر حیاتی است، که انقلاب را تهدید و آن را مسخ می کند، آن را به بی راهه و سپس به راه آمریکا می کشاند. خوشبختانه مسئولان متعهد و فادار به خط امام و به قانون اساسی می بینند که این "خط"، یعنی خط سرمایه داری، کشاندن به راه رشد سرمایه داری و لامحاله به طرف آمریکا است.

مردم زحمتکش و از مصالح میهنی، که آن را مستقل و شکوفای خواهیم. هم اکنون اخبار و اطلاعاتی که در جراید انتشار می یابد و گاه در رادیو گفته می شود، نشان می دهد که برداشت کلی از برنامه ریزی های بیست سال آینده (به اصطلاح کلان) و برنامه پنج ساله عبارتست از: اولویت دادن به بخش خصوصی و بازگذاشتن دست سرمایه داران، هم در بخش صنعت، هم در بخش کشاورزی، هم به ویژه در بخش تجارت و هم به ویژه در بخش مسکن. نسبت ارقام سرمایه گذاری، که برای بخش های دولتی و تعاونی در نظر گرفته شده، گاه جمعا به یک پنجم بخش خصوصی هم نمی رسد! یا چنین برداشتی مسلما نمی توان گفت که نص صریح قانون اساسی درباره "مکمل" بودن بخش خصوصی به اجرا در خواهد آمد، برعکس، می توان مطمئن بود که گردانندگان زورمند بخش خصوصی، از بخش دولتی برای سودجویی هرچه بیشتر و از بخش تعاونی برای پرده پوشی قاصد خود، به عنوان راه تازه انتقال، بهره گیری خواهند کرد. ارقام سرمایه گذاری های پیش بینی شده، اگر بحق باید، نشانه تسلط بخش خصوصی است، نشانه حاکمیت خط سرمایه داری است، و خطر در این جاست.

رفتن به این راه فاجعه است، مسخ انقلاب و نابودی آنست. در این هفته آقای موسوی نخست وزیر به درستی گفت: "نوطه های آمریکا پس از پیروزی انقلاب وقفه نداشته و دائم بر علیه انقلاب ادامه داشته و ما نباید از نوطه های بعدی آمریکا غفلت داشته باشیم." باید اضافه کرد که: اگر این نوطه ها گاه صورت دولت لیبرال به خود می گرفت یا چهره ریاست جمهوری بنی صدر، گاه به شکل کودتای نوزه پیاده می شد و گاه به سیاهی تجاوز طبیب، گاه هیبت تجاوز نظامی صدام به خود می گرفت و گاه بیافه تروزیسم کور داخلی، در عین حال نوطه بی وقفه آمریکا می تواند اشکال بسیار جدی و مودیان و خطرناک اقتصادی به خود بگیرد و گرفته است. از این شکل نوطه، که هدفش راندن ایران به راه رشد سرمایه داری و "به خطر انداختن آینده انقلاب" است، هرگز نباید غفلت داشت.

در نبرد با خط سرمایه داری، مسئولان متعهد و کارگران انقلابی و مهندسان میهن دوست و انقلابی، با عمل خود بطلان ثنوری های طرفداران خط سرمایه داری را هر هفته نشان می دهند. در این هفته، مثلا، اعلام شد که کارخانه شیشه همدان، که سابقا مال سرمایه آمریکایی و وابسته بود، حالا را اندازی شده و به دست دولت می چرخد و روزانه ۱۱۰ تن شیشه تولید می کند. در این هفته از طرف بنیاد مستضعفان، که ۱۱۰ کارخانه را زیر پوشش دارد، اعلام شد که: "در نتیجه حضور فعال کارگران سخت کوش در نبرد اقتصادی، عده ای از کارخانجات آن با شتاب فزاینده ای افزایش تولید داشته و اغلب سود آور شده اند." باز همین هفته شرکت صنایع دریایی بوشهر منطبق به دولت، که سابقا مال آمریکاییان بود و ۲۱ نفر متخصص آمریکایی و فیلپینی و کره جنوبی داشت، و توسط شورای انقلاب ملی شده است، اینک به نحو احسن کار می کند و پس از آن که یک کشت "بستان" را ساخت و به آب انداخت، سفارشی های زیادی دریافت کرده است.

این هفته اعلام شد که صنایع مواد غذایی ملی شده، که از دست سرمایه دار بیرون آمده، اینک به خوبی در تعلق دولت کار کرده و در جهت خودکفایی حرکت کرده است.

همین چهار نمونه در هفته اول مهر کفایت، نشان دهنده دولت، اگر دولت انقلابی، دولت طرفدار استقلال و زحمتکشان باشد، می تواند باتکیه به کارگران و متخصصان متعهد و شریف، مدبر و خوب، مالک خوب و صاحب اختیار خوب باشد، کارآیی و سودآوری داشته باشد. این نظریه، که "دولت تاجر و مدیر خوبی نیست"، ساخته و پرداخته استعمارگران و بهره کشان و از القافات ایدئولوژیک آن ها است.

از آن جا که ما هر هفته نمی توانیم در ستون های محدود "تحلیل" به این مسئله اساسی و حیاتی بازگردیم، لازمست که رفقا مرتبا و دقیقاً، هر هفته، شواهد و نمونه های این مقابله و نبرد بین طرفداران قانون اساسی و خط سرمایه داری را در سطح کشور در منطقه و محل کار و زندگی خود، دنبال کنند و در بحث های خود بر آن تکیه کنند و موضع گیری های را، که به سود خط امام، به سود استقلال و عدالت اجتماعی می شود، با بیانات و برنامه های، که غیرم قانون اساسی، به سود سرمایه داری و وابستگی و نهایتا رفتن به طرف آمریکا، از جانب جریان مخالف و راستگرایان صورت می گیرد، مقایسه کنند. در این عرصه است که نبرد طبقاتی باشد و ناچار با وضوح بیشتر رخ می نماید و در این عرصه است که سرنوشت انقلاب ما - به سوی تحقق اهداف انقلاب یا به سوی مسخ آن - تعیین خواهد شد و معلوم خواهد گردید که: آیا ایران انقلابی دست رد بر سینه سرمایه داری خواهد گذاشت و مستقل و ضد امپریالیستی باقی خواهد ماند، یا دشمنان توطئه گر، با استفاده از غفلت و سردرگمی یا تشویق و نادانی موفق خواهند شد که خط خود را از پیش ببرند و ایران را در جاده رشد سرمایه داری و نهایتا وابستگی به آمریکا بیافکنند و اهدافی را، که آن همه جان های عزیز در راهش فدا شد، بریاد دهند.

جلوی اقدامات و برنامه های خطرناک را می توان گرفت

در رویارویی خط ها، هفته ای گذشت، اخباری را به همراه آورد، که هم نشانه بورش عملی راستگرایان مخالف خط امام است و هم نمایانگر کوشش انقلابی در دفاع از قانون اساسی و از بخش دولتی، از مسافع

ایران انقلابی برای پیشرفت و درهم شکستن مخالفت توطئه گران و وابستگان و برای رسیدن به هدف های انقلاب و برآوردن خواست های حقه مردم نیاز حیاتی دارد که یک رشته قوانین بنیادی اجتماعی - اقتصادی تدوین و تصویب و اجرا شود. در این زمینه نیز ما مدافع سرسخت قانون اساسی هستیم، زیرا که در این سند اساسی حقوق میهن انقلابی ما، ضرورت حل این مسائل تسجیل گردیده است. قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی، قانون اصلاحات ارضی بنیادی، قانون اصل ۴۹، قانون احوال و آزادی فعالیت سیاسی آن ها، دور از جو اتهام و ناسزا، قانون کار ناپخته انقلاب و حل مسائل کارگری از این جمله اند. در این هفته همه این مسائل حاد بار دیگر مطرح شد.

مسئله اصل ۴۹ و توجه به مستضعفین - در این هفته لازمست از موضع گیری آقای اصغری وزیر دادگستری در بیان نظریات خط امام یاد کنیم، که گفت:

"اگر ما به مستضعفین توجه نکنیم، دچار اضمحلال بررگی خواهیم شد. یکی از ویژگی های بارز خط امام فراموش نکردن مستضعفین است ..."

وی در لزوم اجرای اصل ۴۹ اضافه کرد: "غاصبان بیت المال و کسانی که به بیت المال تجاوز کرده اند، نباید هم چنان در رفاه سابق بسر ببرند و ازادتمندان انقلاب بیش از این زیر بار گرانی ها و استیصاف ها و محرومیت ها رنج ببرند."

وزیر دادگستری اضافه کرد: "توزیع عادلانه ثروت از برنامه های زیربنایی اقتصاد است و طبق اصل ۴۹ ثروت های غصب شده را باید باز پس گرفت و به محرومین داد."

آقای موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب نیز گفت: "من اعتقاد دارم که جوان های پرشور ما پس از بازگشت از جبهه ها و بیرونی کامل نخواهند گشت. سخنران و گرانروشان آسوده باشند و مطمئناً اموال حرام آن ها را به دست صاحبان اصلی شان باز خواهند گرداند."

آیت الله العظمی منتظری نیز در همین هفته، ضمن ملاقات با مسئولان سازمان بهزیستی، لزوم کمک به محرومان را خاطر نشان کرد.

مردم منتظرند که این بیانات به اقدامات بدل گردد و پیروان راستین خط امام، با حمایت مردم، دست به "عمل" بزنند، وگرنه در این آوردگاه، برد با دشمنان خواهد بود.

مسئله قانون بازرگانی خارجی - ماه ها پس از تصویب مجلس، این قانون حیاتی، علیرغم تصریح قانون اساسی، هم چنان وارد مرحله عمل نشده است. در این هفته آقای اصغری وزیر دادگستری گفت:

"تجارت خارجی نیز از مسائل مهم زیربنایی اقتصاد است. دولت باید ورود کالا های مورد نیاز را در اختیار خود بگیرد و طبق قانون اساسی عمل کند و از سودجویی عواملی که میلیون ها تومان در سال سود می برند، جلوگیری کند."

آقای فواد کرمی گفت: "ملی کردن بازرگانی خارجی می تواند نقش عمده ای در توزیع عادلانه کالا و مهار تورم داشته باشد."

دادستان انقلاب ویژه امور صنفی گفت: "باید از حیوانگر در امر تجارت خارجی حلع بید کرد. جای بسی مایم است، با این که قانون اساسی ما تجارت خارجی را دولتی می شناسد، ملت از آن محروم است."

به روشنی دیده می شود که تکیه بر قانون اساسی و دفاع از اصول آن و خواست اجرای عملی آن به یک وجه مشترک جدی و مهم میان پیروان صدیق خط امام و پشتیبانان پیگیر آن بدل می شود. و این خود صحنه سرنوشت ساری از نبرد در برابر مخالفان راستگرا و همه طیف جریان ضد - خط امام است.

مسئله قانون اصلاحات ارضی بنیادی - در این هفته آقای سلامتی وزیر کشاورزی در نمايشگاه بین المللی اعلام کرد:

"مسئله زمین در مجلس شورای اسلامی مراحل نهایی خود را می گذراند."

حجت الاسلام موحدی ساوجی نایب رئیس کمیسیون ویژه طرح قانونی احیاء و واگذاری زمین های زراعی، با تذکر حضور و مشارکت فعال توده های حق طلب دهقانان، گفت:

"برای روشن شدن تکلیف ارضی کشاورزی در تمام مناطق، با ارسال نامه ها و طومارها و فطنامه هایی خواستار اجرای بند "ج" بودم. بایستی به اطلاع برسانم که شور دوم قانون یکمسیون ویژه ارائه شده (۹) و انشاء اله به زودی تصویب خواهد شد."

مقرن قانون تدوین شده هنوز معلوم نیست. ولی چه دهقانان و چه نهادهای انقلابی، که با روستاییان رنج دیده و خان زده در تماس هستند، نظیر هیئت های هفت نفری و جهاد سازندگی، خواستار یک قانون انقلابی، با اصولی بنیادی، بدون گذشت ها و ارفاق ها به مالکین بزرگ و خوانین، هستند.

دهقانان در این هفته نیز با نامه ها و طومارهای خود، با مراجعه

به مقامات دولتی و مذهبی و نمایندگان مجلس در محل و به نهادهای های انقلابی، خواست معسرانه خویش را، که حق مسلم آنهاست، بیان کردند. نهادها نیز از بقای نقاط ضعف و نارسایی های قانون و مقره های که راه را برای اربابان بازمی گذارد، نگران و معترضند. آقای اصغری وزیر دادگستری هم در این هفته گفت:

"اولین محور زمین است. کسی که حتی یک بار بیل به دست نگرفته کشاورز نیست. مطمئناً اصلاحات ارضی اسلامی نقش به سزایی خواهد داشت ... مسئله اصلاحات ارضی اسلامی در انقلاب سرورنگی دارد و اگر به بند "ج" عمل می شد، بهیچا خارج از احکام اسلام نبود. با قبول قانون اساسی و تاکید اسلام، در مورد مستضعفین و اقشار محروم حاسه باید توجه داشت. در اصلاحات ارضی اسلامی باید تلاش شود و اقدامات لازم انجام گیرد وگرنه مانند روایای دیگری که در چنبدیم، در این جا نیز در حرکت کردن بهرمان ما منتهی می شود."

هیچ سمنار و گردهمایی جدی را نمی توان یافت، که در آن مسئله کشاورزی و برنامه ریزی آن و نیل به خودکفایی مقدور مطرح شود و در صدر مسائل، لزوم اصلاحات ارضی بنیادین جای نگیرد و این در حالی است که خط مخالف به کمک لیبرال های نفوذی خود، به کمک روحانی - نمایان "بدتر از شر" (به قول امام) و به یاری "دوستان نادان (به قول آیت الله منتظری) لجوجانه در راه آن سنگ می اندازد و می گوشت تا محیط دهات را متشنج کند ..."

مسئله آزادی فعالیت سیاسی احزاب - قانون اساسی در این باره نیز صراحت دارد، ولی ما در این هفته که جشن چهل و یکمین سال تاسیس حزب خود را برگزار می کردیم، مرتباً شاهد انواع حملات ناپسند و تبلیقات ضد توده های ناخاست بودیم، که به نظر ما نه باعث افتخار تهیه کنندگان آن خواهد شد و نه اقل استدلالی "تو" و بهانه های "جدید" را به نام آن ها ثبت خواهد کرد. برخی از نویسندگان برخی از روزنامه ها متناقضانه، دروغ ها و افترا های را، ظایر با هرگونه موازین اخلاقی، به ما نسبت می دهند و یا بالحنی مبتذل، توهین و دشنام را وسیله رویارویی قرار می دهند. ولی توده های با منانیت و اصولیت از سیاست انقلابی خویش، در خدمت به انقلاب، در تحکیم جمهوری اسلامی ایران، در حمایت از مسلمانان واقعی پیرو خط امام (نه زیر سؤال بردن آن ها)، در افشای "جریان مخالف"، که ساخته پرداخته ما نیست و واقعیت عینی دارد - و خود این روزنامه ها هم گاه این واقعیت را متعکس می کنند - در دفاع از قانون اساسی پای می فشردند.

باید حرمت قانون اساسی را پاس داشت و آزادی فعالیت احزاب سیاسی مدافع انقلاب را تأمین کرد. این تنها به سود انقلاب و تحکیم آن و پالایش نارسایی ها و کشف توطئه ها است. عدم احترام به این اصل قانون اساسی، آرزوی ضد انقلاب و مخالفان راستگرای خط امام و همه طیف کسانیست که از تعدی انقلاب از سیمای روشن و مردمی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر جهانی آن رنجان می بینند.

مسائل میرم کارگری - در این هفته بازتاب وسیع کنگره شورا های اسلامی کارخانجات تهران در محیط های کارگری ادامه یافت. مسئله تشکل کارگری و مسئله قانون کار در مرکز توجه کارگران بود. کارگران از تشکل های صنفی - انقلابی خود در برابر جریان کارگرسنتر دفاع کردند و نشان دادند، که حتی تهدید و زیر کار هم آن ها را نمی ترساند.

آن ها خواستار تدوین قانون کار با شرکت مستقیم خودشان و با محتوای انقلابی و خواستار تشکل های مستقل هستند. تجربه بهمان نشان داد، که با تشکل انفرادی توانند در برابر جریان کارگرسنتر و خط سرمایه داری بایستند و حتی آن را به عقب نشینی رادارند. کنگره آینده سوا سوری شوراها (در تبریز) و مسئله ایجاد بگ تشکیلات بزرگ کارگری و جلسات منظم در مدنظر کارگران قرار دارد.

جریان کار این کنگره را می توان یک رویداد مثبت کارگری ارزیابی کرد و اضافه نمود، که اجلاس وسیع انجمن های اسلامی کارگری نیز خواستار الغای مواد ۳۳ و ۳۴ قانون کار بوجود و تدوین یک قانون کار انقلابی، با در نظر گرفتن نظریات شهید بهشتی (که مایه پربا حاکم بر وزارت کار است) شده اند. ما توجه همه رفقا را به تحول رویدادها در محیط های کارگری جلب می کنیم.

جهان

بحران خاور نزدیک و میانه و راه های پیشنهادی برای حل آن

با تجاوز همه جانبه دولت صهیونیستی اسرائیل به خاک لبنان، و در دو هفته گذشته با قتل عام مردم بی گناه فلسطینی به دست صهیونیست های اسرائیلی و قتل های لبنان، مسئله خاور نزدیک و میانه، به معنای حادث ترین و بحرانی ترین مسئله، که می تواند صلح و امنیت خلق های این منطقه را با خطری جدی مواجه سازد و صلح جهانی را مورد تهدید قرار دهد، هم چنان در سطح بین المللی مطرح است.

تشدید بحران این منطقه را قبل از هر چیز باید از پیامدهای شوم پیمان استراتژیکی دانست ، که میان دولت صهیونیستی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا منعقد شد . متکثرین این پیمان نخواهند از رویدادهای پس از موافقت نامدهای " کمپ دیوید " شکست و رسوایی کامل این موافقت نامهها ، درس عبرت بیاموزند و یا توجه به واقعیات منطقه ، راه حل واقعی را در پیش گیرند ، که می باید تضمین استقلال و حاکمیت کشورهای عرب مورد تجاوز اسرائیل و قبل از همه شناسایی حقوق حقه خلق عرب فلسطین برای تشکیل دولت مستقل ملی را تأمین سازد . آن ها راه گسترش تجاوز مسلحانه به خاک لبنان ، با هدف نابودی رزمندگان فلسطینی و درهم شکستن مقاومت سوریه را برگزینند .

ماهه این تلاشها در نتیجه مقاومت قهرمانانه رزمندگان فلسطینی در لبنان و پایداری ارتش سوریه از یک سو و واکنش خشمگین افکار عمومی در کلیه کشورهای عربی منطقه از سوی دیگر ، عقیم ماند . خشم نوده های مردم عرب در کنفرانس سران عرب در قاس نیز بازتاب یافت ؛ یعنی حتی رژیم های ضد خلقی و وابسته در کشورهای عربی نیز در زیر فشار افکار عمومی خلق های عرب ، ناگزیر شدند به تصویب اسنادی در این کنفرانس تدرید دهند ، که در آن ها از خواست های عادلانه خلق های عرب مورد تجاوز اسرائیل ، شناسایی حق خلق عرب فلسطین برای تشکیل دولت مستقل فلسطین و آزادی کلیه سرزمین های عربی اشغال شده از جانب اسرائیل ، از آن جمله سرزمین های زادوبومی خلق عرب فلسطین ، پشتیبانی شده است .

ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ، که در تجاوز نظامی اخیر دولت صهیونیستی اسرائیل به خاک لبنان مستقیما شریک و مسئول است ، طی مصاحبه مطبوعاتی که روز هشتم مهرماه در واشنگتن برگزار کرد ، پس از این همه جنایات ، که به دنبال موافقت نامه های کمپ دیوید ، به وسیله دولت صهیونیستی اسرائیل علیه کشورهای عربی و سازمان آزادی بخش فلسطین انجام گرفته ، برای پایان دادن به بحران این منطقه ، با کمال بی ترمی به کشورهای عربی و سازمان آزادی بخش فلسطین نوه یه می کند ، که به رژیم مصر تاسی جویند و راه موافقت نامه های کمپ دیوید را در پیش گیرند ، و " کمپ دیوید همان رادحیات آمیزی است ، که رژیم سادات مقدم در پیش گرفت و موجب تفرقه و پراکندگی در جبهه مقاومت خلق های عرب گردید و امروز به گسترش تجاوز اسرائیل و عملیات نمف کارانه و جنایت بار آن علیه رزمندگان فلسطینی و لبنانی انجامیده است .

از سوی دیگر راه حل پیشنهادی اتحاد شوروی برای حل بحران حار و پنهان از این همان نخستین تجاوز اسرائیل علیه کشورهای عربی منطقه در سال ۱۹۶۷ تاکنون ، تنها راه حل واقع بنانه - با در نظر گرفتن حق استقلال و حاکمیت خلق های این منطقه و حق مسلم خلق عرب فلسطین برای تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمین های زادوبومی این خلق - برای پایان بخشیدن به بحران منطقه است . اتحاد شوروی در کلیه موارد ، تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی را فاطمانه محکوم کرده و از هیچ گونه کمک نظامی و تسلیحاتی و اقتصادی به کشورهای مورد تجاوز اسرائیل دریغ نورزیده است . رهبران کشورهای عربی درگیر با اسرائیل بارها از این کمک و پشتیبانی سپاسگزاری کرده اند .

در شرایط گسترش تجاوز اسرائیل در لبنان و جنایات آن علیه رزمندگان فلسطین و لبنانی ، باز هم اتحاد شوروی ، چه در جامعه بین المللی و چه در تماس های خود با رهبران کشورهای جبهه پایداری و سازمان آزادی بخش فلسطین ، از خواست های بحق آن ها حمایت کرده و تجاوز دولت صهیونیستی اسرائیل و حامیان آمریکایی آن را محکوم نموده است .

مواضع اصولی اتحاد شوروی از جمله در پیام لئونید برزف رهبر اتحاد شوروی به یاسر عرفات رئیس کمیته اجراییه سازمان آزادی بخش فلسطین با صراحت کامل بیان شده است . در این پیام رهبر اتحاد شوروی ، ضمن اشاره به شرکت آمریکا در تجاوز اسرائیل و کمک های شه جانانه آمریکا به صهیونیست های اشغالگر ، چنین آمده است :
" در این لحظات آزمایش دشوار برای خلق عرب فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین ، من بار دیگر تأکید می کنم که اتحاد شوروی در کنار خلق عرب فلسطین و نماینده قانونی آن سازمان آزادی بخش فلسطین قرار داشته و قرار دارد . ما ایمان داریم که مبارزات حق طلبانه فلسطینی ها سرانجام پیروز خواهد شد .

این نظر اتحاد شوروی ، در جریان ملاقات و گفتگوی لئونید برزف رهبر اتحاد شوروی با علی ناصر محمد رهبر جمهوری دموکراتیک خلق یمن ، که چندی پیش در مسکو برگزار گردید ، بار دیگر ابراز گردید . نیروهای ضد امپریالیست و دموکراتیک در سراسر جهان برای مطالب تأکید دارند ، که در لحظاتی که امپریالیست های آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل برای نابود ساختن جنبش رهایی بخش خلق های منطقه و کشاندن روند حوادث بر مسیر مطلوب برای خود در تلاشند ، اتحاد شوروی هم چنان بر مواضع اصولی خود در پشتیبانی از خلق های این منطقه تأکید می کند . لئونید برزف طی سخنرانی خود در ۱۰ سپتامبر در کاخ کرملین پیشنهاد های دولت اتحاد شوروی را برای حل عادلانه بحران خاور نزدیک به طور اجمال چنین بیان نمود :

" ما عمیقا معتقدیم که صلح عادلانه و اسوار در خاور نزدیک می تواند و باید بر پایه این اصول متکی باشد : اصل عدم تجاوز به خاک دیگران به طور اکید رعایت شود . تمام سرزمین های اشغال شده عرب به وسیله اسرائیل در سال ۱۹۶۷ باید آزاد و به این کشورها بازگردانده شود . بایستی حق مسلم خلق عرب فلسطین برای تشکیل دولت مستقل ملی عملا تأمین شود . بخش شرقی بیت المقدس ، که از اماکن مقدس مسلمانان است ، به اعراب بازگردانده شود و جز لاینفک دولت فلسطین شود . بایستی حق موجودیت ، استقلال و مصونیت همسکوره های این منطقه تأمین گردد و برای حل بحران این منطقه ، با اجرای مفاد فوق ، یک تضمین بین المللی بوجود آید و نقش چنین تضمینی را اعضای دائمی شورای امنیت و یا کلیه اعضای شورای امنیت عهده دار شوند . این پیشنهادها برای حل بحران خاور نزدیک بار دیگر این واقعیت را تأکید می کند که اتحاد شوروی ، بر حسب ماهیت نظام سوسیالیستی خود ، از مبارزات خلق ها در راه استقلال و آزادی و علیه تجاوز و سلطه جویی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، فاطمانه حمایت می کند و از بذل هرگونه یاری و کمک به آن ها دریغ ندارد . و رهبران همه جنبش های رهایی بخش ملی خلق ها و رهبران کشورهای مستقل ملی در سراسر جهان ، از آن جمله کشورهای منطقه ، اذعان داشته و دارند که مواضع اتحاد شوروی در عقیم گذاردن طرح های تجاوز کارانه و براندازی صهیونیسم و امپریالیسم جهانی همواره نقش قاطع و موثر داشته است .

کوشش در راه غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند

در هفته گذشته کنفرانس بین المللی حقوقدانان ، ویژه بررسی مسئله غیر نظامی کردن اقیانوس هند ، در دهلی نو گشایش یافت . این نخستین بار نیست که مسئله غیر نظامی کردن این منطقه در کنفرانس ها و محامع بین المللی مطرح می شود و در گانون توجه افکار عمومی ، به ویژه خلق های کشورهای این منطقه ، قرار می گیرد . در واقع هم پس از منطقه شنجی زای خاور میانه و نزدیک ، که خطر بروز درگیری نظامی گسترده ای در آن نهفته است ، منطقه اقیانوس هند در نتیجه تدریج های گسترده امپریالیسم آمریکا در راه تحقق حیات نظامیگری و تشدید مسایفه تسلیحاتی ، به دومین گانون خطناک و تشنج خرابی در این ناحیه آسیا تبدیل شده است .

کنفرانس بین المللی در دهلی نو ، که در آن هیئت های نمایندگی ۳۷ کشور آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین و اروپا شرکت داشتند ، نمودار نگرانی عمیقی است که اوضاع این منطقه در افکار عمومی جهانیان پدید آورده است .

بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر هند ، در پیام شادباش خود به کنفرانس بین المللی حقوقدانان ، بر این مطلب تأکید می کند ، که دولت هند عزم راسخ دارد که به کوشش های خود برای استقرار محیط صلح و همکاری در این منطقه ، بر پایه مقررات سازمان ملل متحد ، ادامه دهد . طرح تبدیل این منطقه به شبکه گسترده ای از پایگاه های نظامی دریایی و هوایی و زمینی ، از جانب امپریالیسم آمریکا تاریخ دیرینه ای دارد . اما طی چهار سال اخیر ، پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران ، که موجب تغییر تناسب نیروها در این منطقه به زیان امپریالیسم گردید ، توجه سیاست مداران و فرماندهان نظامی آمریکا بیشتر متوجه ناحیه اقیانوس هند و اجرای طرح های ایجاد پایگاه های نظامی جدید و گسترش پایگاه های موجود ، در این منطقه گردید .

اکنون جزیره دیگو گارسیا در اقیانوس هند به بزرگترین پایگاه نظامی هوایی و دریایی آمریکا در این منطقه تبدیل شده ، که روز به روز گسترش می یابد و با امروزی ترین سلاح ، از جمله سلاح های موشکی و هسته ای ، مجهز می شود .

وزارت دفاع آمریکا دیگو گارسیا را به مدت هسته ای آمریکا در منطقه اقیانوس هند تبدیل کرده است . آمریکا تلاش دارد که از این راه کنترل سیاسی و نظامی خود را بر سراسر این منطقه برقرار سازد . ضمن مرعوب ساختن و تهدید کشورهای مستقل ملی این منطقه ، از گسترش جنبش های رهایی بخش و استقلال طلبانه خلق های این منطقه جلوگیری به عمل آورد . علاوه بر این ، ایالات متحده آمریکا در عمان ، کبیا و سومالی نیز پایگاه های نظامی ، دریایی و هوایی ایجاد کرده و اکنون توجه خود را برای گسترش شبکه پایگاه های نظامی در این منطقه ، بدیندر موروثی در مجمع الجزایر کامور ، معطوف داشته است .
تا این لحظه هنوز فاطمانه های کنفرانس دهلی انتشار نیافته است ، ولی تردیدی نیست که باز هم دهنندگان و شرکت کنندگان در این کنفرانس ، به عنوان بیانگر نگرانی های خلق های این منطقه از توطئه های امپریالیسم آمریکا و خواست آن ها برای عقیم گذاردن این توطئه ها ، ندابیر لازم را برای گسترش مبارزه بر ضد امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و به خاطر صلح اتحاد خواهند کرد .